

شناسایی و اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران

احمدعلی آصفی^۱

۱. استادیار مدیریت ورزشی دانشکده علوم ورزشی دانشگاه اصفهان*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران بود. روش پژوهش آمیخته اکتشافی بود که در دو مرحله کیفی و کمی انجام شد. در مرحله کیفی، جامعه آماری پژوهش همه افراد صاحب‌نظر در زمینه موضوع ورزش همگانی و نهادینه‌کردن بودند که تا رسیدن به نقطه اشباع نظری افراد برای انجام مصاحبه به روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی و گلوله‌برفی انتخاب شدند (تعداد = ۱۵ نفر). در بخش کمی، جامعه آماری متشکل از مدیران و کارشناسان مسئول ورزش همگانی بود که به روش نمونه‌گیری تمام‌شمار افراد به‌عنوان نمونه انتخاب شدند (تعداد = ۳۰۶ نفر). در مرحله کیفی، ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختارمند و در مرحله کمی، پرسش‌نامه بود. روایی مصاحبه و پرسش‌نامه با استفاده از نظر ۱۰ تن از اساتید و متخصصان بررسی شد. پایایی مصاحبه‌ها از طریق بازآزمون برابر با ۰/۸۳ و پایایی پرسش‌نامه از طریق آزمون ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ محاسبه شد. در مرحله کیفی پژوهش، از کدگذاری باز، محوری و گزینشی برای تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها استفاده شد. در مرحله کمی پژوهش نیز از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران استفاده شد. نتایج مراحل اول و دوم نشان داد که هفت گروه به ترتیب اولویت شامل مدرسه، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مرجع، خانواده، دولت، نهادهای مذهبی و نیز دوستان و همسالان، در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران مؤثر بودند؛ از این رو، کمک به ایفای نقش‌های اساسی هریک از گروه‌های یادشده در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در کشور با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی درست باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی، نهادینه‌کردن، ورزش همگانی.

مقدمه

امروزه، ورزش‌های همگانی یک راه افزایش فعالیت بدنی و کسب فواید ناشی از آن شناخته می‌شوند. از نظر پالم و وولفانگ^۱ (۲۰۰۲)، ورزش همگانی؛ یعنی ورزش برای همه، بدون در نظر گرفتن سن، جنسیت، توانایی و وابستگی اجتماعی. ورزش همگانی به سیاست ورزش برای همه اشاره دارد که برای توسعه یک جامعه متحد از طریق مشارکت بیشتر و فرصت‌های بهتر در ورزش هدفمند به کار می‌رود (آمان، محمد و عمر فوضی،^۲ ۲۰۰۹). چنین شکلی از ورزش و حضور در آن می‌تواند بر سلامت عمومی جامعه را تأثیر بگذارد و به افزایش آن کمک شایانی کند؛ زیرا، اهمیت و ارزش سلامتی آن هم در بعد وسیع سلامت عمومی جامعه یکی از شاخصه‌های مهم توسعه پایدار در کشورها شناخته شده است. همواره، دولت‌ها به دلیل پایداری نیروی کار سالم و کاهش هزینه‌های بی‌مورد در زمینه بهداشت عمومی سعی دارند سلامت عمومی جامعه را از طرق مختلف و به شیوه‌های متفاوت تبلیغاتی گوشزد کنند. جامعه‌ای با افراد ناسالم چه به لحاظ جسمی و چه از حیث روانی و ذهنی، نمی‌تواند به توسعه اقتصادی، پیشرفت و توسعه فرهنگی و موارد مشابه دست یابد. چنین جامعه‌ای از کشورهای دیگر در زمینه‌های مختلف عقب می‌افتد و علاوه بر اینکه هیچ‌گونه پیشرفتی در کشور به وجود نمی‌آید، زمینه‌های پسرقت جدی نیز ایجاد می‌شود (گریزی و برگ،^۳ ۲۰۰۸). با توجه به اهمیت سلامتی و پیامدهای آن برای هر جامعه‌ای، داشتن یک جامعه سالم در گرو تثبیت راهکارهای علمی و عملی برای ایجاد سلامتی، نشاط و شادابی در افراد آن جامعه است. با توجه به اینکه ورزش‌های همگانی چنین فرصتی را می‌توانند ایجاد کنند، ایجاد زمینه‌های مشارکت مستمر افراد در این فعالیت‌ها امری مهم و ضروری برای هر جامعه‌ای است. مشارکت در این فعالیت‌ها می‌تواند به افراد در کسب فواید سلامتی کمک کند؛ اما آنچه بسیار مهم و اساسی است مشارکت مستمر در این فعالیت‌ها برای حفظ فواید سلامتی است (مارکوس^۴ و همکاران، ۲۰۰۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کسب فواید بی‌شمار سلامتی ناشی از فعالیت بدنی منظم است که در طول زمان استمرار دارد (اویاجی،^۵ ۲۰۰۹؛ هانکینسون^۶ و همکاران، ۲۰۱۰)؛ با این حال، بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه ورزش همگانی در کشور به بررسی انگیزاننده‌های مشارکت افراد در ورزش همگانی (شروع مشارکت) تمرکز داشته‌اند و کمتر به بحث حضور مستمر و فراگیر افراد در ورزش همگانی پرداخته‌اند (رمضانی‌نژاد، رحمانی‌نیا و تقوی‌تکیار،

-
1. Palm & Wolfyang
 2. Sport for All
 3. Aman, Mohamed & Omar-Fauzee
 4. Grazi & Bergh
 5. Marcus
 6. Aoyagi
 7. Hankinson

۱۳۸۸). افزون‌براین، براساس مطالعات، مؤثرترین مداخلات برای کمک به افزایش فعالیت بدنی در افراد موفقیت‌هایی را در شروع فعالیت بدنی نشان داده‌اند؛ باین‌حال، اثربخشی کمی در کمک به افراد برای حفظ و استمرار فعالیت بدنی درطول زمان داشته‌اند (کان و همکاران، ۲۰۰۲). این درحالی است که ایجاد تغییرات رفتاری در زندگی افراد باید استمرار تغییرات مثبت را پیگیری کند. با توجه به این مطلب باید گفت ایجاد زمینه‌ها و شرایط شروع مشارکت افراد جامعه در ورزش همگانی به‌عنوان نقطه آغاز، مهم است؛ باین‌وجود، استمراربخشیدن به حضور افراد جامعه در ورزش‌های همگانی برای کسب و حفظ فواید سلامتی ناشی از آن مهم‌تر است؛ زیرا، اول اینکه، پژوهش‌ها نشان می‌دهند فواید ناشی از فعالیت بدنی زمانی به‌دست می‌آید و حفظ می‌شود که حضور مستمر و منظم باشد و دوم اینکه، افراد مشارکت‌کننده در ورزش‌های همگانی بنابر دلایل مختلف و گاهی جزئی به حضور خود پایان می‌دهند. از این منظر، دنبال کردن راهکاری برای استمراربخشیدن به حضور افراد در ورزش‌های همگانی و فراگیرکردن این حضور در افراد جامعه اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. چنین راهکار و سیاستی را می‌توان در کاربرد نظریه نهادینه‌کردن و مشخص کردن عوامل دخیل در آن درخصوص ورزش‌های همگانی جست‌وجو کرد. نهادینه‌کردن رویکردی است که فراهم‌آوردن زمینه و شرایط مناسب را برای ثبات، پایداری و فراگیرشدن رفتارهای مطلوب دنبال می‌کند (اسکات، ۲۰۰۱). به‌عبارتی، نهادینه‌کردن، فرایند اجرا و درونی‌کردن عمل‌های جدید شناخته می‌شود؛ جایی که اعمال جدید پذیرفته می‌شوند. پذیرش فعال موقع اجرا (در اعمال و رفتارها) و درونی‌کردن (موقعی که افراد اعمال را ارزشمند می‌بینند و برای انجام آن متعهد می‌شوند) رخ می‌دهد (کوستا و روس، ۲۰۰۲). گودمن، بازرمن و کانلون (۱۹۸۰) نهادینه‌کردن را عملی می‌دانند که طی آن تغییرات در سیستم‌های اجتماعی درطول زمان حفظ می‌شوند و استمرار می‌یابند. یک عمل نهادینه‌شده به‌عنوان رفتاری تعریف می‌شود که درطول زمان استمرار دارد؛ ازاین‌رو، استمرار (تمایل اجراشدن عمل درطول زمان) یک ویژگی مهم عمل نهادینه‌شده است. به اعتقاد زوکر^۵ (۱۹۸۷)، فعالیت‌های نهادی شده درطول دوره‌های زمانی بلندمدت بدون توجیه یا تفسیر بیشتر حفظ می‌شوند و شدیداً نسبت به تغییر مقاوم هستند. شکل‌گیری چنین اعمالی مستلزم طی‌کردن فرایند سه‌مرحله‌ای نظریه نهادینه‌کردن (عادت‌سازی، عینی‌سازی و رسوب‌گذاری (تولبرت و زوکر، ۱۹۹۶)) است. تولبرت و زوکر^۱ (۱۹۶۶) کنش/اعمال عادت‌شده را به‌عنوان رفتارهای اکتسابی از طریق تجربه و پذیرفته‌شده توسط مجموعه‌ای

-
1. Kahn
 2. Scott
 3. Kostova & Roth
 4. Goodman Goodman, P, S., Bazerman, M. & Conlon
 5. Zucher
 6. Tolbert & Zucker

از کنشگران با هدف حل مشکلات تکراری روزمره تعریف کردند. طبق نظر آن‌ها، این رفتارها تبدیل به عادت می‌شوند و با حداقل کوشش، در تصمیم‌گیری و موقع بروز محرک مشابه تکرار می‌شوند. این محققین ایجاد معانی کلی اجتماعی مشترک که نتیجه اعمال عادت‌شده و معمول است را به‌عنوان دومین مرحله نهادینه‌سازی؛ یعنی عینی‌سازی عنوان کردند. همچنین، آن‌ها ذکر کردند ایجاد معانی تاحدی ضروری است که کنش‌ها/ اعمال بتوانند به زمینه و ورای مقصود اصلی‌شان انتقال یابند؛ این فرایند رسوب‌گذاری نامیده می‌شود؛ زمانی که اعمال عادت‌شده کیفیت بیرونی به‌دست می‌آورند. به‌عبارتی، اگر عملی بخواهد نهادینه شود، باید ابتدا به‌صورت عادت در افراد تبدیل شود و سپس، عینیت یابد (توسعه معانی اجتماعی مشترک برای رفتارهای عادت‌شده) و درنهایت، در وجود افراد رسوب کند. از این فرایند دریافت می‌شود که صرف عادت‌دادن افراد به ورزش همگانی (شروع فعالیت) نمی‌تواند راهکار مناسبی برای حضور مستمر و منظم آن‌ها در این فعالیت‌ها باشد؛ زیرا، براین‌اساس، صرفاً در مرحله اول باقی‌مانده‌ایم. از طرفی، واقف هستیم که عادت‌ها ممکن است رها شوند و کنار گذاشته شوند؛ ولی چنانچه بتوانیم به مرحله آخر برسیم؛ یعنی رسوب‌گذاری؛ جایی که اعمال در فکر، اندیشه، رفتار و گفتار افراد ته‌نشین می‌شوند و جزئی از شخصیت فرد می‌شوند، آن‌گاه امکان کنار گذاشتن و ترک آن تاحدزیادی غیرممکن خواهد بود؛ از این‌رو، نهادینه‌کردن ورزش‌های همگانی در وجود تک‌تک افراد جامعه و درنهایت، در کل جامعه می‌تواند راهکار مناسبی برای افزایش حضور مستمر و منظم افراد در ورزش‌های همگانی باشد. در این مسیر، شناخت گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی می‌تواند نقطه آغاز خوبی باشد؛ زیرا، درک رفتار انسان‌ها بدون توجه به نقشی که گروه‌ها در زندگی آن‌ها بازی می‌کنند، غیرممکن است. اغلب افراد متعلق به مجموعه‌ای از گروه‌های رسمی و غیررسمی هستند که از آن‌ها هم به‌صورت محسوس و هم نامحسوس تأثیر می‌پذیرند. این گروه‌ها شامل خانواده، دوستان و همسالان، همکاران، گروه‌های ورزشی، گروه‌های درمانی، سازمان‌های تجاری و مذهبی و غیره هستند که اکثر فعالیت‌های روزانه افراد در این گروه‌ها صورت می‌گیرد. تأثیر گروه‌ها بر افراد آن‌قدر زیاد است که در برخی حالات نمی‌توان شناختی نسبت به افکار، احساسات و رفتارهای افراد جدا از گروه به‌دست آورد (لوین و مورلند؛ ۲۰۰۶). آرنولد^۲ (۲۰۰۵)، گروه را دو یا تعداد بیشتری از افراد تعریف می‌کند که توسط خودشان و دیگران به‌عنوان یک نهاد اجتماعی درک می‌شود. به‌عبارتی، گروه مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از افراد است که با هم روابط متقابل دارند و به‌دنبال اهداف مشترکی با یکدیگر تعامل می‌کنند. گروه می‌تواند به اعمال و افکار اعضای خود جهت دهد و فرد را برای دستیابی به اهدافی خاص ترغیب و تشویق کند و از این طریق

-
1. Levine & Moreland
 2. Arnold

الگوهای رفتاری مشترکی را بین اعضای گروه به وجود آورد. با توجه به اینکه گروه چنین نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای افراد در جامعه دارد، شناخت آن و نقشی که می‌تواند در یک زمینه خاص (در این پژوهش، نهادینه‌کردن ورزش همگانی) ایفا کند، بسیار اهمیت دارد. همچنین، از آنجایی که تاکنون پژوهشی به این مسئله نپرداخته است، به بررسی و مطالعه این مسئله نیاز است؛ از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران کدام‌اند و کدام اهمیت بیشتری دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، آمیخته و از نوع آمیخته اکتشافی بود که در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول، داده‌های کیفی و در مرحله دوم، داده‌های کمی جمع‌آوری شدند. همچنین، از نظر هدف، در مرحله کیفی، پژوهش جزو پژوهش‌های اکتشافی و در مرحله کمی، از نوع پژوهش‌های تبیینی بود. به علاوه، از نظر نتیجه، مطالعه در مرحله کیفی جزو پژوهش‌های بنیادی و در مرحله کمی از نوع مطالعات کاربردی بود. در طرح پژوهش آمیخته اکتشافی، پژوهشگر درصد زمینه‌یابی درباره «موقعیت نامعین» است؛ بر این اساس، ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی می‌پردازد. انجام این مرحله او را به توصیف جنبه‌های بی‌شماری از پدیده هدایت می‌کند. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت‌بندی فرضیه(هایی) درباره بروز پدیده مورد مطالعه فراهم می‌شود. پس از آن، در مرحله بعدی، پژوهشگر می‌تواند از طریق گردآوری داده‌های کمی، فرضیه(ها) را بیازماید؛ بنابراین، در این نوع طرح‌های پژوهش آمیخته، به داده‌های کیفی اهمیت بیشتری داده می‌شود. علاوه بر آن، در توالی گردآوری داده‌ها، ابتدا داده‌های کیفی و سپس، داده‌های کمی گردآوری می‌شوند. در نهایت، پژوهشگر بر مبنای یافته‌های حاصل از داده‌های کیفی سعی می‌کند داده‌های کمی را گردآوری کند تا تعمیم‌پذیری یافته را میسر کند (بازرگان، ۱۳۸۷).

جامعه آماری پژوهش در مرحله کیفی «اکتشاف گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی»، همه افراد صاحب‌نظر و آگاه در زمینه موضوع ورزش همگانی و نهادینه‌کردن بودند. در مرحله کمی، برای اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر و کسب اطلاعات لازم در این زمینه، جامعه آماری متشکل از همه افراد مسئول ورزش همگانی از جمله تمامی مدیران، کارشناسان و اعضای فدراسیون ورزش همگانی و هیئت‌های ورزش همگانی استان‌های کشور، دفتر توسعه ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان، مدیران و کارشناسان سازمان شهرداری تهران و دانشجویان مقطع دکتری مدیریت ورزشی بودند (تعداد = ۳۰۶ نفر). در مرحله کیفی، برای انتخاب نمونه از ترکیب روش‌های هدفمند قضاوتی و روش گلوله‌برفی استفاده شد که روش‌های غیراحتمالی هستند. از کل مجموعه افراد صاحب‌نظر تاجایی که نسبت به

موضوع پژوهش اشباع نظری حاصل شد، افراد برای انجام مصاحبه و کسب اطلاعات لازم در زمینه موضوع مورد نظر به صورت کاملاً غیراحتمالی انتخاب شدند (تعداد = ۱۵ نفر). در مرحله کمی، با توجه به حجم کم جامعه، از روش نمونه‌گیری تمام‌شمار برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد. با پیگیری‌های مکرر پژوهشگر، تعداد ۲۰۵ پرسش‌نامه قابل تحلیل با نرخ برگشت ۶۷ درصد جمع‌آوری شدند. ابزار پژوهش در مرحله کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختارمند و در مرحله کمی، پرسش‌نامه بود. پرسش‌نامه حاوی ۲۱ سؤال درباره گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن بود. در این پرسش‌نامه برای هر گروه حاصل از مصاحبه، سه سؤال تدوین شد. این سه سؤال ویژگی یک عمل نهادینه‌شده شامل استمرار، فراگیری و واقعیت اجتماعی شدن را بیان می‌کردند که تأثیر هر گروه را در نهادینه‌شدن ورزش همگانی در ایران می‌سنجیدند.

در این پژوهش، روایی مصاحبه‌ها از طریق دقت در مطرح کردن سؤال‌ها و کنترل مستمر اطلاعات کسب‌شده بود. در یک مطالعه کیفی، اعتبار به میزانی اشاره دارد که مشاهده پژوهشگر توانسته است پدیده مورد مطالعه یا متغیرهای مربوط به آن را انعکاس دهد. برای معتبر کردن مصاحبه‌ها، دقت نظرها و ملاحظات لازم در این موارد لحاظ شدند: الف- انتخاب موضوع و نوع سؤال‌ها: در این پژوهش، برای اطمینان از روایی مصاحبه در مرحله انتخاب موضوع، مبانی نظری و پیشینه مطالعات انجام‌شده در زمینه ورزش همگانی و نهادینه‌کردن در سطوح مختلف نظری بررسی شدند و سؤال‌های اصلی پژوهش بر این مبنا طراحی شدند؛ ب- طراحی: در مرحله طراحی مصاحبه‌ها، دقت زیادی در صورت‌بندی و روش‌های مورد استفاده برای شناخت موضوع و هدف مطالعه انجام شد؛ ج- مصاحبه: برای اطمینان از گزارش‌های مربوط به موضوع و کیفیت مصاحبه، گزارش‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها توسط خود پژوهشگر تهیه و تایپ شدند تا از اعتبار مرحله مصاحبه کاسته نشود. علاوه بر این، هنگام انجام مصاحبه‌ها پژوهشگر در شیوه مطرح کردن سؤال‌ها دقت کرده است تا در کیفیت و اعتبار آن‌ها تردیدی صورت نگیرد؛ د- نسخه‌برداری: هنگام تدوین برنامه اجرایی مصاحبه‌ها، پژوهشگر سبک نسخه‌برداری دومرحله‌ای را برای پژوهش کنونی مشخص کرد. مرحله اول شامل نگارش داده‌های شفاهی حاصل از مصاحبه‌ها در برگه‌های مخصوص یادداشت‌برداری بود. این مرحله در جلسه مصاحبه و هم‌زمان با طرح سؤال‌ها توسط مصاحبه‌گر انجام شد. مرحله دوم، تایپ کردن و تهیه نسخه الکترونیک مصاحبه‌هایی بود که به صورت دستی یادداشت‌برداری شدند؛ و- تحلیل: در پژوهش حاضر، سؤال‌ها به ترتیبی در مصاحبه‌ها گنجانده شدند که از نظم منطقی برخوردار باشند. ابتدا در مورد مسئله پژوهش از مصاحبه‌شوندگان پرسش شد و سپس، بقیه سؤال‌های مصاحبه در یک ترتیب خاص هدایت شدند؛ ه- تأیید: با رعایت همه مراحل ذکر شده و همچنین، دقت زیاد در انجام و تحلیل مصاحبه‌ها سعی شد نتایج پژوهش از اعتماد و اعتبار خوبی برخوردار باشند؛ ی- گزارشگری:

در تدوین گزارش مصاحبه‌ها، پژوهشگر سعی کرده است مطالبی که به پژوهشگران و خوانندگان در قالب نتایج ارائه می‌شوند، از درستی زیادی برخوردار باشند.

همچنین، برای محاسبه پایایی مصاحبه از روش بازآزمون استفاده شد. در این روش، از بین مصاحبه‌های انجام‌گرفته، سه مصاحبه به‌طور تصادفی انتخاب شدند و هرکدام از آنها در فاصله زمانی ۳۰ روز توسط پژوهشگر دو بار کدگذاری شدند. با توجه به توافقی‌های بین کدها و تعداد کل نبود توافقات در این دو زمان، پایایی مصاحبه‌های انجام‌گرفته محاسبه شد و ضریب توافق برابر با ۰/۸۳ به‌دست آمد. این میزان پایایی نشان می‌دهد که قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی پرسش‌نامه علاوه بر بررسی دقیق متون و ادبیات پژوهش در مورد ورزش همگانی و به‌خصوص نهادینه‌کردن، از نظر ۱۰ تن از اساتید و متخصصان در این زمینه (روایی صوری و محتوایی) نیز استفاده شد. همچنین، برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی ابزار پژوهش برابر با ۰/۹۱ به‌دست آمد.

در مرحله اول پژوهش، با توجه به استفاده از روش مصاحبه‌های عمیق از روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شد. در این مرحله، از کدگذاری باز، محوری و گزینشی برای تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها استفاده شد. در فرایند مصاحبه، علاوه بر شرح مفهوم نهادینه‌کردن و اهمیت آن، این سؤال‌ها مطرح شدند: الف- به‌نظر شما، چه گروه‌هایی در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران مؤثر هستند؟ ب- چرا این «گروه» در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران مؤثر است؟ ج- چگونه این «گروه» می‌تواند در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران تأثیر بگذارد؟ بعد از انجام مصاحبه‌ها و جمع‌آوری داده‌های پژوهش، برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از فرایند کدگذاری استفاده شد. فرایند کدگذاری داده‌ها در جریان گردآوری داده‌ها اجرا می‌شود تا مشخص شود چه داده‌هایی در مرحله بعد باید گردآوری شوند (بازرگان، ۱۳۸۷). کدگذاری فرایندی است که طی آن مجموعه‌ای داده متنی و پراکنده به داده‌هایی بامعنی و بامفهوم تبدیل می‌شود. این امر معمولاً با مشخص کردن مقوله‌های کدگذاری باز شروع می‌شود و با کدگذاری محوری^۳ و درنهایت، کدگذاری گزینشی^۴ ادامه می‌یابد. فرایند تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز آغاز شد. در این مرحله، شناسایی مفاهیم و کشف ویژگی‌ها و ابعاد مربوط به هر مفهوم در دستور کار پژوهشگر قرار گرفت. بدین منظور، پژوهشگر به کاوش عمیق در جملات و عبارات مصاحبه‌شوندگان پرداخت و موارد مشابه را با عنوانی واحد گروه‌بندی کرد. سپس، با طرح سؤال‌هایی نظیر چه کسی، چه چیزی، چه موقع، چگونه، چه مدت و

-
1. Coding
 2. Open Coding
 3. Axial Coding
 4. Selective Coding

چرا، به شناسایی ویژگی‌های موارد گروه‌بندی شده پرداخت. در مرحله کدگذاری محوری، یکی از مقوله‌های کدگذاری باز به‌عنوان مقوله یا پدیده اصلی انتخاب شد و در مرکز فرایند قرار گرفت و سپس، سایر مقوله‌ها (زیرمقوله‌ها) به آن ربط داده شدند. در نهایت، با انتخاب یک عنوان کلی در مرحله کدگذاری گزینشی، کار خاتمه یافت. در این مسیر، مقوله‌ها مرتبط شدند و یک مقوله به‌عنوان تنه اصلی تمام مقوله‌ها مطرح شد. در مرحله دوم پژوهش، برای اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه کردن ورزش همگانی از روش‌های تجزیه و تحلیل آماری مانند آزمون کلموگروف-اسمیرنف^۱ و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول استفاده شد. در این قسمت، تحلیل‌ها از طریق نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. و لیزرل انجام شدند.

نتایج

جدول شماره یک و شماره دو، ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش را در مراحل اول و دوم نشان می‌دهند.

جدول ۱- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش در مرحله اول

تعداد	سطح تحصیلات	حوزه فعالیت	رشته تحصیلی	گرایش تحصیلی	سابقه پژوهش در ورزش همگانی	سابقه پژوهش در نهادینه‌سازی	سابقه اجرایی در ورزش همگانی
۱۵ نفر	دکتری	دانشگاه / فدراسیون ورزش همگانی	تربیت بدنی مدیریت	مدیریت ورزشی (۱۱) فیزیولوژی ورزشی (۱) مدیریت دولتی (۳)	۱۵ نفر	۲ نفر	۶ نفر

1. Kolmogorov-Smirnov Test
2. SPSS & Lisrel

جدول ۲- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش در مرحله دوم

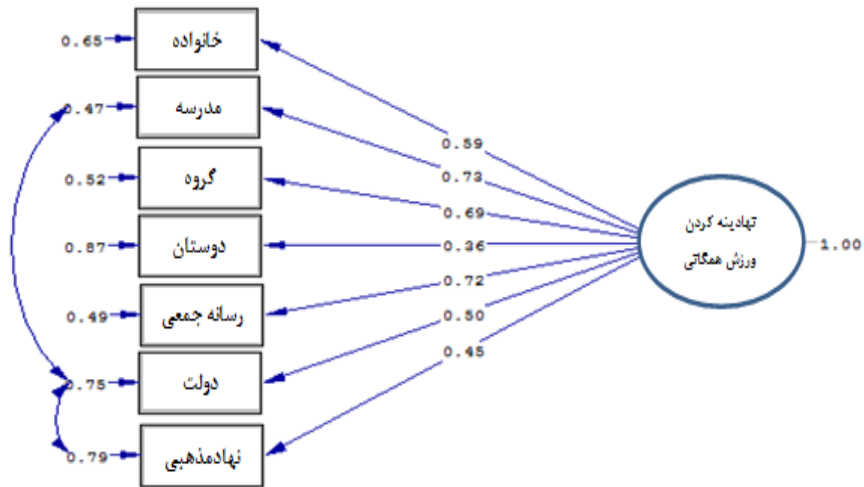
متغیر	آماره	تعداد	درصد	متغیر	آماره	تعداد	درصد	متغیر	آماره	تعداد	درصد
	۲۰ تا ۲۵ سال	۱۶	۷/۸	دبیر	۱۲	۵/۹	کمتر از ۵ سال	۴۹	۲۳/۹		
	۲۶ تا ۳۰ سال	۶۲	۳۰/۲	کاردانی	۱۲	۵/۹	۵ تا ۱۰ سال	۷۸	۳۸/۰		
۳	۳۱ تا ۳۵ سال	۵۰	۲۴/۴	کارشناسی	۹۴	۴۵/۹	سابقه کاری	۲۶	۱۲/۷		
	۳۶ تا ۴۰ سال	۲۲	۱۰/۷	کارشناسی‌ارشد	۶۷	۳۲/۷	تا ۱۱ سال	۲۳	۱۱/۲		
	۴۱ سال به بالا	۵۵	۲۶/۸	دکتری	۲۰	۹/۸	۱۱ تا ۱۵ سال	۲۹	۱۴/۱		
	کل	۲۰۵	۱۰۰	کل	۲۰۵	۱۰۰	۱۶ تا ۲۰ سال	۲۳	۱۱/۲		
							۲۱ سال به بالا	۲۹	۱۴/۱		
							کل	۲۰۵	۱۰۰		

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، در مرحله اول، هر ۱۵ نفر مصاحبه‌شونده دارای مدرک دکتری بودند، همگی سابقه پژوهش در ورزش همگانی داشتند و شش نفر سابقه اجرایی در ورزش همگانی داشتند. در مرحله دوم، سطح تحصیلات بیشتر افراد کارشناسی بود، سابقه کاری پنج تا ۱۰ سال بیشترین فراوانی را داشت و بیشتر افراد نمونه در رده سنی ۲۶-۳۰ سال قرار داشتند.

جدول ۳- کدگذاری گزینشی، محوری و باز گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی

مفهوم کدگذاری گزینشی	مفاهیم کدگذاری محوری	مفاهیم کدگذاری باز	کد مصاحبه
گروه	خانواده	۱. پدر و مادر ۲. سایر اعضای خانواده	P1, P2, P3, P4, P5, P6, P7, P8, P9, P10, P11, P12, P13, P14, P15
	مدرسه	۱. معلمان و مربیان ۲. امکانات و تجهیزات ورزشی مدارس	P1, P2, P3, P4, P5, P7, P8, P9, P10, P11, P12, P13, P14, P15
گروه	گروه‌های مرجع	۱. گروه و تعیین هویت فردی ۲. گروه و ارزیابی فردی	P5, P6, P7, P8, P9, P11
	دوستان و همسالان	۱. نگرش به فعالیت بدنی و ورزش ۲. شرکت در فعالیت بدنی و ورزش	P1, P2, P3, P5, P6, P7, P8, P10, P12, P15
گروه	رسانه‌های جمعی	۱. اطلاع‌رسانی ۲. آگاهی‌بخشی ۳. آموزش	P1, P5, P6, P7, P8, P9, P10, P11, P12, P13, P15
	دولت	۱. حمایت و پشتیبانی دولت ۲. قوانین دولتی	P2, P3, P4, P9, P11, P12, P13, P14
گروه	نهادهای مذهبی	۱. حمایت معنوی و مادی	P3, P4, P5, P7, P11, P12, P13, P14

جدول شماره سه کدگذاری گزینشی، محوری و باز داده‌های پژوهش را در مرحله کیفی نشان می‌دهد؛ براین اساس، یک کد باز، هفت کد محوری و ۱۴ کد گزینشی حاصل شده‌اند که در ادامه اولویت‌بندی این گروه‌ها ارائه شده است.



Chi-Square=35.74, df=12, P-value=0.00036, RMSEA=0.098

شکل ۱- نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول

جدول ۴- رتبه‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران

ردیف	عامل	معرف در مدل	بار عاملی استاندارد شده	انحراف استاندارد	مقدار تی	ارزش پی	رتبه
۱	مدرسه	School	۰/۷۳	۰/۴۴	۷/۴۶	۰/۰۰۱*	۱
۲	رسانه‌های جمعی	Mass Media	۰/۷۲	۰/۲۵	۷/۳۹	۰/۰۰۱*	۲
۳	گروه‌های مرجع	Reference groups	۰/۶۹	۰/۳۸	۷/۳۷	۰/۰۰۱*	۳
۴	خانواده	Family	۰/۵۹	۰/۴۳	۶/۹۸	۰/۰۰۱*	۴
۵	دولت	Government	۰/۵۰	۰/۴۰	۶/۱۸	۰/۰۰۱*	۵
۶	نهادهای مذهبی	Religious institutions	۰/۴۵	۰/۵۵	۶/۴۳	۰/۰۰۱*	۶
۷	دوستان و همسالان	Peer	۰/۳۶	۰/۳۵	۵/۲۲	۰/۰۰۱*	۷

** و *: معناداری در سطح خطای به ترتیب ۰/۰۵ و ۰/۰۱

نتایج جدول شماره چهار نشان می‌دهد که مهم‌ترین گروه در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران (براساس بارهای عاملی)، مدرسه با بار عاملی ۰/۷۳ است. بعد از آن، به ترتیب رسانه‌های جمعی با بار عاملی ۰/۷۲، گروه‌های مرجع با بار عاملی ۰/۶۹، خانواده با بار عاملی ۰/۵۹، دولت با بار عاملی ۰/۵۰، نهادهای مذهبی با بار عاملی ۰/۴۵ و دوستان و همسالان با بار عاملی ۰/۳۶ قرار دارند.

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

وضعیت	مقدار مطلوب	مقدار	معادل انگلیسی	معادل فارسی	شاخص
-	-	۳۵/۷۴	χ^2	خی‌دو	
مطلوب	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۳۲	RMR	ریشه میانگین مربعات باقی مانده	
مطلوب	مساوی یا بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۲	CFI	شاخص برازش تطبیقی	
مطلوب	مساوی یا بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۲	IFI	شاخص برازش افزایشی	
مطلوب	بزرگ‌تر از ۰/۵۰	۰/۵۱	PGFI	شاخص نیکویی برازش مقتصد	
مطلوب	کمتر از ۰/۱	۰/۰۹۸	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	
مطلوب	بین ۲ تا ۳	۲/۹۷۸	CMIN/DF	خی‌دو بهنجار شده	

نتایج جدول شماره پنج نشان می‌دهد که شاخص‌های نسبت خی‌دو به درجه آزادی^۱ برابر با ۲/۹۷۸، شاخص برازش مطلق^۲ کمتر از ۰/۰۵، شاخص‌های برازش تطبیقی^۳ بیشتر از ۰/۹۰، شاخص نیکویی برازش مقتصد^۴ برابر با ۰/۵۱ و شاخص رمزی^۵ برابر با ۰/۰۹۸ در سطح قابل قبولی قرار دارند؛ بدین معنایکه مدل پژوهش حاضر دارای برازش مطلوبی است و ساختار عاملی در نظر گرفته شده برای آن قابل قبول است و از برازش مناسبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در مرحله اول نشان داد که هفت گروه در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران نقش دارند که عبارت‌اند از: خانواده، مدرسه، گروه‌های مرجع، دوستان و همسالان، رسانه‌های جمعی، دولت و نهادهای مذهبی. در مرحله دوم، نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول نشان داد که مهم‌ترین گروه در

1. CMIN/DF
2. RMR
3. CFI & IFI
4. PGFI
5. RMSEA

نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران مدارس بودند و بعد از آن، به ترتیب رسانه‌های جمعی، گروه‌های مرجع، خانواده، دولت، نهادهای مذهبی و دوستان و همسالان قرار داشتند.

- مدرسه

نتایج پژوهش نشان داد که مدرسه عامل بسیار مهمی در نهادینه کردن و به عبارتی عادت‌دهی، عینی‌سازی و رسوب‌گذاری ورزش همگانی به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقادهنده نشاط، شادابی و سلامتی در جامعه است. مدرسه نقش مهمی در پیشبرد و پالایش مهارت‌های از قبل یادگرفته‌شده افراد ایفا می‌کند. نقش دیگر مدرسه عادت‌دادن افراد به ورزش و فضای آن برای انجام شکل‌های گوناگون ورزش است. در کل، مدارس به‌عنوان آغازگر فعالیت‌های ورزشی افراد اعتبار زیادی ندارد؛ اما نقش مهمی در ترغیب و گسترش الگوهای اولیه جذب افراد به ورزش از طریق برنامه‌های ورزشی درون مدرسه ایفا می‌کند (آهولا و هتفیلد، ۱۹۸۶). مدارس نقش مهمی در گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی و عادت‌دهی افراد به این مهم دارند، تاجایی که تجارب مدرسه بر سطح فعالیت بدنی افراد در آینده تأثیر می‌گذارد (آلندر، کوبورن و فوستر، ۲۰۰۶). عوامل مختلفی در مدارس هستند که بر گرایش و مشارکت در فعالیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان تأثیر دارند و می‌توانند زمینه‌ساز نهادینه‌شدن فعالیت بدنی و ورزش با رویکرد همگانی در آنان شوند. یکی از این عوامل، وجود معلمان تربیت‌بدنی و ورزش متخصص و ماهر است. معلمان تربیت‌بدنی و ورزش در مدارس برای بسیاری از دانش‌آموزان نقش الگو را دارند و حمایت و تشویق دانش‌آموزان توسط آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت در فعالیت‌های بدنی و ورزشی شود. حمایت و تشویق معلمان تربیت‌بدنی می‌تواند بر ادراک ارزشمندی فعالیت بدنی در دانش‌آموزان اثر بگذارد و معلمان با ایفای نقش الگو بودن خود و ارائه بازخورد مثبت به دانش‌آموزان در مشارکت آنان در فعالیت بدنی و ورزش تأثیر می‌گذارند. به عبارتی، معلمان در عادت‌دادن دانش‌آموزان به فعالیت بدنی و ورزش به‌خصوص با رویکرد همگانی نقش مهمی ایفا کنند. پژوهش‌های مختلف نشان‌دهنده این موضوع هستند (کیسی، ایمه، پاینه و هاروی، ۲۰۰۹). نقش معلمان آن‌قدر مهم است که حتی ظاهر بدنی معلمان بر توانایی‌شان برای آموزش و القای تمایلات ورزشی در دانش‌آموزان تأثیر دارد (ملویل و مدالوزو، ۱۹۸۸)؛ با این وجود، معلمان تربیت‌بدنی بدون داشتن فضا، امکانات و تجهیزات کافی، پیشرفته و در دسترس نمی‌توانند نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند؛ زیرا، بدون وجود فضا، امکانات و تجهیزات مناسب امکان برگزاری و اجرای برنامه‌های ورزشی وجود ندارد؛ در حالی که پژوهش‌های

-
1. Ahola & Hatfield
 2. Allender, Cowburn & Foster
 3. Casey, Eime, Payne & Harvey
 4. Melville & Maddalozzo

نشان داده‌اند که امکانات، تجهیزات و برنامه‌های ورزشی مدارس در گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی تأثیر مثبت دارند (برگر، اورلی، پرنس، سگوین و هماندز؛ ۲۰۰۸؛ هارینز، کارینست، دفورچ، ماز، کاردون و دبوردوچی؛ ۲۰۰۹). مطالب ذکر شده گویای این واقعیتند که امروزه مدارس نقش انکارناپذیری در فعال کردن بدنی دانش‌آموزان دارند. اگر این نقش به‌خوبی انجام شود، علاوه بر فعال کردن دانش‌آموزان در سنین پایه، در صورت آموزش درست و مناسب شاهد بهبود و افزایش مشارکت آن‌ها در آینده در ورزش و فعالیت بدنی خواهیم بود. در صورتی که این آموزش رویکرد همگانی داشته باشد و اهداف ورزش همگانی را دنبال کند، می‌تواند بر گرایش به ورزش‌های همگانی در جامعه تأثیر فراوانی داشته باشد و در صورت داشتن اهداف و راهبردهای درست، به نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور کمک شایانی کند.

– رسانه‌های جمعی

از نتایج دیگر پژوهش این بود که رسانه‌های جمعی می‌توانند نقش قابل توجهی در تغییر نگرش و باور افراد، اطلاع‌رسانی، آموزش و فرهنگ‌سازی ورزش همگانی و در نهایت، نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران ایفا کنند. امروزه، رسانه‌های جمعی به منبع غالب شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی در جوامع تبدیل شده‌اند و این ادعا که دنیای ما در محاصره واقعیت‌های رسانه‌ای قرار دارد، بی‌شک ادعای قابل‌بحثی می‌تواند باشد. رسانه‌ها مسئول بخش اعظمی از مشاهده‌ها و تجربه‌هایی هستند که ما از طریق آن‌ها درک خود را نسبت به جهان پیرامون و نحوه عملکرد آن سامان می‌بخشیم. در واقع، بخش عمده‌ای از نگرش ما به دنیا ریشه در پیام‌های رسانه‌ای دارد که از پیش ساخته شده‌اند. آن‌ها به لحاظ دارا بودن دامنه نفوذ وسیع اثر مستقیمی بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارند. همچنین، در تغییر آگاهی‌ها و نگرش‌های جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کنند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶). در دوران کنونی، رسانه‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم شده‌اند. مردم در طول شبانه‌روز از محتوای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و سرگرمی رسانه‌ها استفاده می‌کنند. نسل کنونی جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را از رسانه‌ها دریافت می‌کنند. نفوذ و تأثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند و اگر چگونه فکر کردن را به ما یاد ندهند به ما می‌آموزند که به چه چیزی فکر کنیم (ملک‌پور، ۱۳۹۰). پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که رسانه‌ها در شکل‌گیری باورها، نگرش‌ها و

1. Berger, O'Reilly, Parent, Séguin, & Hernandez

2. Haerens, Craeynest, Deforche, Maes, Cardon, & De Bourdeaudhuij

گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی نقش بسزایی دارند (اوون، بومن، بوث، اولدربرگ و مگنوس، ۱۹۹۵؛ غفوری، رحمان‌سرشت، احسانی و کوزچیان، ۱۳۸۲). ممکن است مشارکت در فعالیت بدنی با مجموعه‌های تبلیغات رسانه‌های جمعی در سطح گسترده افزایش یابد؛ با این وجود، ممکن است اثربخشی این نوع از مجموعه تبلیغات محدود باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رویکرد کاربرد پیام‌های مختلف هدفمند در مراحل آمادگی انگیزشی افراد اثربخش‌تر است (بومن و همکاران، ۲۰۰۱)؛ از این رو، می‌توان گفت که نقش رسانه‌های جمعی در توسعه ورزش همگانی و نهادینه کردن آن در جامعه انکارناپذیر است و رسانه‌های جمعی با فرهنگ‌سازی، آموزش، اطلاع‌رسانی، ایجاد مشارکت اجتماعی، تغییر باور و نگرش افراد به ورزش همگانی و کارکردهای دیگر خود می‌توانند این نقش را ایفا کنند. پژوهش‌های مختلف داخلی این موضوع را تأیید کرده‌اند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۶؛ صفاری، ۱۳۹۲). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی می‌توانند نقش مهمی در نهادینه کردن ورزش همگانی به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقا‌دهنده سلامتی در وجود افراد و در جامعه ایفا کنند. در این راستا، تدوین مجموعه‌ای از تبلیغات هدفمند برای اطلاع‌رسانی درباره فواید و اهمیت ورزش همگانی، ایجاد باور و نگرش مثبت در مردم نسبت به ورزش همگانی، افزایش دانش و رفتار فعالیت بدنی و ورزش، آموزش و فرهنگ‌سازی ورزش همگانی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

– گروه‌های مرجع

از نتایج دیگر پژوهش این بود که افراد و گروه‌هایی که فرد هویت خود را با آن‌ها تعیین و ارزیابی می‌کند، می‌توانند نقش مهمی در افزایش مشارکت افراد در ورزش همگانی و نهادینه کردن آن در افراد و جامعه ایفا کنند. انسان‌ها به دلایل مختلف نظیر نیاز به احترام، آبرو و فشار هنجاری، به‌طور عمده خود را در زمینه‌هایی با عده‌ای مقایسه و ارزیابی می‌کنند. در این فرایند، انسان، ارزش‌ها و استانداردهای افراد یا گروه‌های دیگر را به‌عنوان یک قالب مقایسه‌ای و مرجع می‌گیرد. در این صورت، آن افراد را گروه‌های مرجع می‌نامند. به عبارت دیگر، گروه مرجع گروهی است که افراد خود را با آن مقایسه می‌کنند و با استانداردهای آن خود را ارزیابی می‌کنند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸). اولین بار، هایمن^۴ اصطلاح گروه‌های مرجع را به کار برد و منظور گروه‌هایی هستند که استانداردهایی را برای قضاوت و ارزیابی در مورد نگرش‌ها و رفتارهای ما در اختیار قرار می‌دهند. ما از گروه‌های مرجع به‌عنوان استاندارد برای ارزیابی خود استفاده می‌کنیم. افراد در سنجش ارزش خود و اعمال خود از این گروه‌ها الهام می‌گیرند و آن‌ها را مبنای داوری قرار می‌دهند. تصور فرد از مقام و منزلت خود بستگی

-
1. Owen, Bauman, Booth, Oldenburg, and Magnus
 2. Bauman
 3. Reference Group
 4. Hyman

به گروه مرجعی دارد که وی خود را با آن مقایسه می‌کند. افراد معمولاً ارزش‌هایی را می‌پذیرند که از گروه‌های مرجع آموخته باشند. این گروه‌ها تأثیر زیادی بر نگرش‌ها و طرز تلقی افراد دارند و روابط آن‌ها را با سایر گروه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند. یک فرد ممکن است هم‌زمان تحت تأثیر دو یا چند گروه مرجع باشد. در این حالت، خود و دیگران را با استانداردهای چند گروه مرجع ارزشیابی می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۹۰). گروه‌های مرجع دو کارکرد عمده ایفا می‌کنند: اول اینکه، هنجارها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند و به اصطلاح کارکرد هنجاری دارند؛ دوم اینکه، استانداردها و معیارهایی در اختیار کنشگران قرار می‌دهند که کنش و نگرش خود را با آن محک می‌زنند و در اصطلاح، کارکرد مقایسه‌ای / تطبیقی ایفا می‌کنند (صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱). گروه‌های مرجع دسته‌بندی‌های مختلفی اعم از گروه مرجع مثبت و منفی، گروه مرجع خودی و غیر خودی و غیره دارند. در یک دسته‌بندی گروه مرجع را می‌توان از نظر اқشار و گروه‌های اجتماعی جامعه طبقه‌بندی کرد؛ یعنی گروه‌هایی که ما برای ارزیابی و مقایسه به آنان رجوع می‌کنیم. در این میان، جوانان در پذیرش الگوهای رفتاری تأثیرپذیری زیادی از این گروه‌ها دارند و در دنبال کردن آرزوها و اهداف شخصی‌شان به آنان مراجعه می‌کنند. این گروه‌ها می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم جزئی از شبکه روابط ما شوند؛ نظیر گروه‌های دوستی، خانواده، قشر هنرمندان، هنرپیشه‌ها، نویسندگان، روحانیون و افراد نخبه و الگو (صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰). خانواده به عنوان یک گروه مرجع تأثیر زیادی بر کنش‌ها، رفتارها، انگیزه‌ها و تصورات، داوری‌ها و پیش‌داوری‌ها و جهت‌گیری‌های افراد دارد. در کنار خانواده، گروه دوستان و همسالان نیز به عنوان یکی از عوامل اجتماعی شدن بیشترین نفوذ را بر شبکه اجتماعی نوجوان دارند. بحث در مورد تأثیرات این دو گروه مرجع در شکل‌دهی به باور، نگرش و رفتار فعالیت بدنی و ورزش افراد، به صورت مجزا در قسمت مربوط به گروه خانواده، دوستان و همسالان مطرح شده است. در بحث مربوط به گروه‌های مرجع در این قسمت، منظور بیشتر قشر ورزشکاران، قهرمانان، استادان، هنرمندان، هنرپیشه‌ها، نویسندگان، روحانیون، پزشکان و افراد نخبه و الگو هستند که تأثیرات زیادی بر افکار و رفتارهای افراد جامعه دارند. ذکر این نکته نیز مهم است که انتخاب گروه مرجع فرایندی پویا است. فرد در طی مراحل زندگی گروه‌های مرجع خود را تغییر می‌دهد؛ یعنی ممکن است در دوران نوجوانی یک گروه مرجع را معیار ارزشیابی خود قرار دهد و در دوران جوانی گروه مرجع دیگری را برای ارزیابی خود انتخاب کند (قلی‌پور، ۱۳۹۰). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که گروه‌های مرجع نقش بسیار مؤثر و مهمی در شکل‌گیری و تغییر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد دارند؛ بنابراین، اگر این گروه‌ها به سمت ورزش همگانی به عنوان فعالیت بدنی ارتقا دهنده سلامتی سوق پیدا کنند، با حضور خود به عنوان مراجع ارزیابی بسیاری از افراد جامعه

به‌خصوص نوجوانان و جوانان، می‌توانند کمک شایانی به تغییر باور و نگرش آنان به ورزش همگانی کنند و چنین تغییر باور و نگرشی زمینه پذیرش رفتار فعالیت بدنی و درنهایت، نهادینه‌شدن آن در افراد را فراهم می‌کند. پژوهشی در زمینه نقش گروه‌های مرجع در شکل‌گیری عادات فعالیت بدنی و ورزشی افراد انجام نشده است؛ ولی برخی پژوهش‌ها به‌طور ضمنی به نقش این افراد و گروه‌ها در مشارکت افراد در ورزش و فعالیت بدنی اشاره کرده‌اند. چوگاهاارا، اوبرین-کوسینز و وانک^۱ (۱۹۹۸) نشان دادند که همسران، کودکان، دیگر اعضای خانواده، همسالان و هم‌ردیفان، مربیان و پزشکان، از جمله عوامل مؤثر در فعالیت بدنی در افراد مسن بودند. یانگ و مدیک^۲ (۲۰۱۱) نشان دادند که حمایت اجتماعی متخصصان سلامتی تعهد الزامی را برای ورزش کردن مستمر پیش‌بینی می‌کند؛ بنابراین، ترغیب و تشویق ورزشکاران، قهرمانان، استادان، هنرمندان، هنرپیشه‌ها، نویسندگان، روحانیون، پزشکان و افراد نخبه و الگو برای شرکت در ورزش‌های همگانی می‌تواند عنصر مؤثر و مهمی در ترغیب و تشویق افراد دیگر جامعه برای شرکت در ورزش‌های همگانی باشد و این به رشد و توسعه ورزش همگانی و درنهایت، نهادینه‌شدن آن در افراد و جامعه کمک کند.

– خانواده

از نتایج دیگر پژوهش این بود که خانواده نهادی تأثیرگذار بر تغییر نگرش و عادت‌پذیری افراد به ورزش و فعالیت بدنی است و می‌تواند نقش مهمی در نهادینه‌کردن ورزش همگانی به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقادهنده سلامتی در افراد و در جامعه ایفا کند. خانواده قوی‌ترین نیروی سازمان‌دهی است. یک فرد بیشترین اوقات اوایل کودکی‌اش را در خانه با راهنمایی‌ها و پیشنهادهای والدینش می‌گذراند (آهولا و هتفیلد، ۱۹۸۶). درباره خانواده چندین عامل مهم مطرحند که به‌نظر می‌آید تأثیر زیادی بر مشارکت در فعالیت بدنی و ورزش داشته باشند. این عوامل عبارت‌اند از: وجود الگوهای رفتاری مؤثر مربوط به فعالیت بدنی و ورزش (یعنی والدین و دیگر اعضای خانواده) و حمایت‌ها و تشویق‌های مربوط به این فعالیت‌ها. در سال‌های اولیه زندگی، والدین الگوی مهمی برای رفتارهای کودکان هستند و کودکان در این سال‌ها سعی در تقلید و الگوبرداشتن از والدین خود دارند. والدین ورزشکار یا والدینی که به انجام فعالیت بدنی و ورزش می‌پردازند می‌توانند بر پذیرش، شروع و استمرار فعالیت بدنی و ورزش کودکانشان تأثیر بگذارند؛ زیرا، روشن است که هرچه گرایش مثبت والدین به سمت فعالیت بدنی و ورزش بیشتر باشد، فرزندان نیز به انجام این فعالیت‌ها بیشتر سوق می‌یابند. همچنین، تشویق و حمایت کودکان از سوی والدین می‌تواند عامل مهمی در پذیرش، شروع و استمرار فعالیت بدنی و ورزش

1. Chogahara, O'Brien-Cousins & Wanke

2. Young & Medic

توسط آنان باشد. پژوهش‌های مختلف نقش والدین و سایر اعضای خانواده را در جذب و حفظ کودکان در فعالیت بدنی و ورزش تأیید کرده‌اند (برگر و همکاران، ۲۰۰۸؛ چئوک من، ۲۰۰۹؛ کیسی و همکاران، ۲۰۰۹؛ یانگ و مدیک، ۲۰۱۱). والدین می‌توانند مشوق و حامی فرزندان خود برای مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی باشند. همچنین، والدین می‌توانند مانع انجام فعالیت بدنی و ورزش کودکانشان باشند. دفرانسیسکو و جانسون^۱ (۱۹۹۷) نشان دادند والدینی که تأکید بر برنده شدن دارند و رفتارهای شرم‌آور با کودکان خود انجام می‌دهند، باعث دلسرد شدن پسران و دخترانشان از مشارکت در فعالیت بدنی می‌شوند. همچنین، ادراک والدین از ایمنی محیط و محله بر سطح فعالیت بدنی و ورزش کودکان تأثیر می‌گذارد. ویر، اتلسون و برند^۲ (۲۰۰۶) نشان دادند که کودکان مناطق داخل شهر نسبت به کودکان حومه شهر فعالیت بدنی کمتری داشتند. همچنین، سطح فعالیت بدنی ارتباطی منفی با اضطراب والدین درباره ایمنی محله داشت. با توجه به این مطالب و پژوهش‌های ذکر شده می‌توان گفت که نقش خانواده و به‌خصوص پدر و مادر در تغییر باور و نگرش و شکل‌گیری رفتار فعالیت بدنی و ورزش در افراد بسیار مهم و حیاتی است. اگر خانواده‌ها و به‌خصوص پدران و مادران برای مشارکت مستمر و منظم در ورزش و فعالیت بدنی با رویکرد همگانی که برای ایجاد سلامتی، نشاط و شادابی هدفمند است، آموزش ببینند و اهمیت این موضوع را در حال حاضر درک کنند، می‌توانند علاوه بر تشویق و ترغیب فرزندان‌شان به مشارکت مستمر در فعالیت بدنی و ورزش، به نهادینه شدن این رفتارهای مطلوب در وجود اعضای خانواده و در نهایت، در جامعه بسیار کمک کنند.

– دولت

از نتایج دیگر پژوهش این بود که دولت یا نهاد حکومتی کشور می‌تواند نقش مهمی در نهادینه شدن ورزش همگانی در ایران ایفا کند. واژه دولت (State) از ریشه لاتین Stave به معنای ایستادن و وضع مستقر و پابرجا گرفته شده است. تعاریف دولت نیز عموماً بر ساختار قدرت و سازمان‌هایی که بدان عینیت می‌دهند، تأکید دارند. دولت شکل سازمان‌یافته‌ای از قدرت است که نوعی استقلال دارد و بر این اساس، می‌تواند قدرت را انتخاب کند، مقوله‌بندی کند و متشکل سازد و آن را به صورت نهادهای رسمی درآورد (حضور و خداداد حسینی، ۱۳۸۴). در اکثر جوامع، نهادهای حکومتی در چهارچوب یک دولت سازمان می‌یابند؛ به طوری که بر سایر نهادها و همه افراد جامعه اعمال قدرت می‌کنند. از کارکردهای اساسی نهادهای حکومتی می‌توان به اعمال قدرت قانونی در سطح جامعه، نهادینه‌سازی هنجارها از طریق تصویب قوانین، ایجاد نظم و

1. Cheuk Man
2. DeFrancesco & Johnson
3. Weir, Etelson & Brand

امنیت درونی و بیرونی، حل‌وفصل اختلافات بین افراد جامعه، ارائه خدمات عمومی و ارتقای سطح رفاه عمومی جامعه اشاره کرد (قلی‌پور، ۱۳۸۴). نقش دولت در قانون‌گذاری و گسترش ورزش، از چالش‌های مشترک فراروی دولت‌ها به‌شمار می‌رود. آنچه بیش‌ازهمه مشخص است، دخالت و ورود فزاینده دولت به عرصه ورزش در زمینه فراهم کردن امکانات، اجرا و هماهنگ‌کردن فعالیت‌ها است. دخالت دولت‌ها در ورزش ضرورت یک هماهنگی جهانی را عیان می‌کند. هماهنگی در قوانین ورزشی از ضرورت‌های ورزش همگانی است که باید توسط دولت پیگیری شود. ورزش همگانی به‌طور ذاتی درآمدزا نیست و دولت‌ها باید با سیاست‌های حمایتی برای گسترش آن اقدام کنند. دولت‌ها با سرمایه‌گذاری‌های اندک می‌توانند در مواقعی که فرصت‌هایی برای انجام ورزش و تفریح پیش می‌آید، کیفیت اوقات فراغت مردم را بالا ببرند و همه افراد جامعه را وارد عرصه ورزش کنند. یکی از ابزارهای دولت برای دخالت در بخش ورزش بودجه است. در اغلب کشورها، بودجه اختصاص‌یافته به بخش ورزش همگانی بیشتر از سایر بخش‌ها است. برخی از پژوهش‌ها نقش دولت را در گسترش ورزش همگانی، فعالیت‌های اوقات فراغت، گسترش فضاهای ورزشی و غیره تأیید کرده‌اند (هامفریز و روسیچکی، ۲۰۰۷؛ جوادی‌پور، ۱۳۹۰). دولت می‌تواند با حمایت مالی از ورزش همگانی و سرمایه‌گذاری روی پارک‌ها و فضاهای تفریحی، مشارکت در ورزش‌های همگانی را افزایش دهد. همچنین، دولت می‌تواند نقش حمایتی و پشتیبانی مهمی در راستای رشد و توسعه ورزش همگانی و نهادینه کردن آن در جامعه ایفا کند. به‌عبارتی، دولت از طریق تعیین اهداف، راهبردها و سیاست‌گذاری کلان در زمینه ورزش همگانی، اتخاذ تمهیدات لازم برای تحقق اهداف و راهبردها، اختصاص و توزیع مناسب بودجه، ایجاد هماهنگی لازم بین واحدهای مسئول، تعیین دستگاه‌های مسئول ورزش همگانی، گسترش امکانات و تسهیلات ورزش همگانی، تنظیم و تصویب آیین‌نامه‌ها و قوانین سازمانی تشویقی و تنبیهی در عرصه ورزش همگانی و غیره می‌تواند گام‌های مهمی در رشد، توسعه و درنهایت، نهادینه کردن ورزش همگانی در جامعه بردارد.

– نهادهای مذهبی

نتیجه دیگر پژوهش این بود که نهادهای مذهبی مانند پایگاه‌های بسیج، مساجد، هیئت‌ها و غیره می‌توانند نقش مؤثری در نهادینه کردن ورزش همگانی در جامعه ایفا کنند. در جوامع مختلف، نهادهای دینی و مذهبی متعدد و متنوعی وجود دارند؛ ولی اکثر کارکردهای نهادهای دینی در جوامع متفاوت، مشترک هستند. از جمله این کارکردها می‌توان به ایجاد مبانی اخلاقی و ارزشی، تقویت انسجام بین افراد، ایجاد همبستگی در جامعه، ایجاد هویت

اخلاقی، تقویت ارزش‌های انسانی و توجه‌دادن انسان‌ها به نیروهای فوق‌طبیعی اشاره کرد (قلی‌پور، ۱۳۸۴). پژوهشی درباره نقش نهادهای مذهبی در رشد و توسعه ورزش و ارتقای سطوح فعالیت بدنی در بین افراد و در جامعه انجام نشده است؛ اما با توجه به جایگاه و نقش نهادهای مذهبی در محیط فرهنگی و اجتماعی کشور، این نهادها اعم از مساجد، هیئت‌ها، پایگاه‌های بسیج، انجمن‌ها و پایگاه‌های مقاومت می‌توانند با ایجاد محیط، زمینه و شرایط مناسب برای پرداختن افراد به ورزش و فعالیت بدنی و همچنین، آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد ورزش و فعالیت بدنی، سخنرانی و بیان اهمیت تربیت جسم در تکامل روحی، روانی و جسمی افراد و ذکر سخنان پیامبران و ائمه درباره اهمیت ورزش و فعالیت بدنی، به ایجاد باور و نگرش درست در مورد ورزش و فعالیت بدنی در افراد و همچنین، افزایش مشارکت آن‌ها در ورزش همگانی کمک کنند.

- دوستان و همسالان

نتیجه دیگر پژوهش این بود که دوستان و همسالان نقشی اساسی در گرایش افراد به ورزش و حضور مستمر در آن دارند و می‌توانند زمینه‌ساز نهادینه‌شدن ورزش همگانی به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقا‌دهنده سلامتی در افراد جامعه شوند. از منظر شبکه اجتماعی، گروه همسالان در کنار خانواده به‌عنوان یکی از عوامل اجتماعی‌شدن، بیشترین نفوذ را در شبکه اجتماعی نوجوان دارد. در این دوره، موردپسند دیگران واقع‌شدن هدف اصلی نوجوان است. به اعتقاد کوئن، بسیاری بر این باورند که نوجوانان و جوانان جامعه کوچکی برای خودشان می‌سازند. از آنجایی که نوجوانان عموماً وقت بیشتری را به گروه همسالان اختصاص می‌دهند، غالباً ارزش‌هایی متفاوت با جامعه بزرگسالان پیدا می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی دوستان از عواملی هستند که در رشد خرده‌فرهنگ‌های خاص جوانان مؤثرند. این شبکه‌های روابط تقریباً در همه کشورهای جهان موجب می‌شوند جوانان با دوستانی که از لحاظ خرده‌فرهنگ با آن‌ها اشتراکات زیادی دارند، وقت بیشتری را بگذرانند. شبکه دوستان در مقابل شبکه خانواده از منابعی است که اوقات مفرح و حتی کسب هویت را برای جوانان به‌همراه دارد (صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰). دوستان و همسالان به‌عنوان گروه مرجع نقش مهمی در شکل‌گیری باورها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد دارند. همچنین، آن‌ها در شکل‌دهی به شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی افراد و نیز انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه نقش بسزایی دارند. دوستان و همسالان در تجربه فعالیت‌های فرد مهم هستند. آن‌ها از طریق الگوبودن و ایجاد ادراک ارزشمندی فعالیت، شکل‌گیری نگرش و باور مثبت، فرصت باهم‌بودن، احساس امنیت، آرامش و انجام کار گروهی، زمینه‌ساز شروع و استمرار حضور در فعالیت بدنی و ورزش افراد می‌شوند (برگر و همکاران،

۲۰۰۸؛ کیسی و همکاران، ۲۰۰۹؛ وود، ۲۰۱۱)؛ با این حال، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دوستان و همسالان نه تنها مشوق حضور افراد در فعالیت بدنی و ورزش هستند، بلکه در برخی حالات اگر دوستانشان از آن‌ها بخواهند در فعالیت‌های دیگر شرکت کنند، در ورزش و فعالیت بدنی مشارکت نمی‌کنند (آلندر و همکاران، ۲۰۰۶). ذکر این نکته نیز مهم است که قدرت تأثیر دوستان بر فرد به سطح ارتباط عاطفی بین آن‌ها بستگی دارد. با توجه به این مطالب می‌توان گفت که دوستان و همسالان فرد و ارتباطات بین آن‌ها می‌توانند در نهادینه کردن فعالیت بدنی و ورزش در وجود افراد و در کل جامعه نقش مؤثر و مهمی ایفا کنند. برای استفاده از این نیروی مهم باید مسئولان ورزش همگانی به فراهم کردن زمینه و شرایط انجام فعالیت بدنی و ورزش گروهی، طراحی و اجرای فعالیت‌های گروهی و اتخاذ سیاست‌های ترغیبی و تشویقی برای مشارکت با دوستان و همسالان در فعالیت بدنی و ورزش اقدام کنند.

در نهایت، باید گفت هریک از گروه‌های ذکر شده با کارکردهای مختلفی که دارند (تأمین نیازهای اعضا اعم از زیستی، روان‌شناختی، اطلاعاتی و هویتی، الگوسازی رفتاری برای اعضا، ترغیب، تشویق و تنبیه اعضا و غیره) می‌توانند زمینه و شرایط مناسب ثبات، پایداری و فراگیر شدن ورزش همگانی را به‌عنوان یک فعالیت بدنی ارتقادهنده سلامتی، نشاط و شادابی در وجود فرد و جامعه فراهم کنند و به عبارتی، با کارکردهای مثبت خود باعث عادت‌سازی، عینی‌سازی و رسوب‌گذاری (نهادینه‌شدن) فعالیت بدنی در فکر، اندیشه، رفتار و گفتار فرد شوند. بدین منظور، ابتدا باید این عمل یا رفتار در ذهن فرد یا افراد عضو گروه پذیرفته شود. لازمه این امر تغییر در نگرش، ارزش و باورهای گروه است. بدین معنا که گروه باید به آن عمل یا رفتار اعتقاد و باور پیدا کند. در مرحله بعد، باید این تغییر در نگرش یا باور فرد یا افراد گروه در رفتارهای اعضا متجلی شود و حالت عینی به خود گیرد و در نگرش و باور عده بیشتری از آن‌ها تثبیت شود. لازمه این عمل، تغییر و تعدیل در ساختارها، کارکردها و اهداف گروه است که طوری تطبیق یابند که متناسب با تغییر نگرش و رفتار به وجود آمده در فرد یا افراد شوند. در مرحله نهایی باید رفتارهای تغییر یافته و تثبیت شده در عده‌ای از افراد تکرار و ادامه یابد و به بقیه بخش‌ها و افراد جامعه تعمیم داده شوند تا در سراسر جامعه گسترش یابند و فراگیر شوند؛ از این رو، کمک به ایفای نقش‌های اساسی هریک از گروه‌های ذکر شده در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور، باید با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی درست در دستور کار مسئولان امر قرار گیرد.

منابع

1. Ahola, S., & Hatfield, B. (1986). Psychology of sports: A social psychological approach. (Reza, Fallahi, & Mohsen, Hajjilu, translators). Tehran: Physical Education Organization Press. (Persian).
2. Allender, S., Cowburn, G., & Foster, C. (2006). Understanding participation in sport and physical activity among children and adults: a review of qualitative studies. *Health Education Research*, 21(6):826-35.
3. Aman, M. S., Mohamed, M., & Omar-Fauzee, M. S. (2009). Sport for all and elite sport: Underlining values and aims for government involvement via Leisure policy. *European Journal of Social Sciences*, 9(4), 659-668.
4. Aoyagi, Y., Park, H., Watanabe, E., Park, S., Shephard, R. J. (2009). Habitual physical activity and physical fitness in older Japanese adults: The Nakanajojo Study. *Gerontology*, 55, 523-531.
5. Arnold, J., Silvester, J., Patterson, F., Robertson, I., Cooper, C., & Burnes, B. (2005) *Work psychology* (4th ed.). London: Financial Times Prentice Hall.
6. Bauman, A. E., Bellew, B., Owen, N., & Vita, P. (2001). Impact of an Australian mass media campaign targeting physical activity in 1998. *American Journal of Preventive Medicine*, 1,41-47.
7. Berger, I. E., O'Reilly, N., Parent, M. M., Séguin, B., & Hernandez, T. (2008). Determinants of sport participation among Canadian adolescents. *Sport Management Review*, 11, 277-307.
8. Casey, M. M., Eime, R. M., Payne, W. R., & Harvey, J. T. (2009). Using a socioecological approach to examine participation in sport and physical activity among rural adolescent girls. *Qualitative Health Research*, 19(7), 881-893.
9. Cheuk Man, L. (2009). Parental influence on children's participation in physical activity. (Unpublished doctoral dissertation). Hong Kong Baptist University, Kowloon Tong.
10. Chogahara, M., O'Brien-Cousins, S., & Wankel, L. M. (1998). Social influences on physical activity in older adults: A review. *Journal of Aging and Physical Activity*, 6, 1-17.
11. DeFrancesco, C., & Johnson, P. (1997). Athlete and parent perceptions in junior tennis. *Journal of Sport Behavior*, 20, 29-36.
12. Ghafouri, F., Rahmanseresht, H., Ehsani, M., & Kozechian, H. (2003). The study and investigative of physical education specialists attitude to the role of mass media (radio, TV and newspapers) in the tendency of people to the sport for all and the championship sport. *the Harekat Magazine*, 16, 57-78. (Persian).
13. Gholipour, A. (2005). Institutions and organizations (Institutional Ecology of Organization). Tehran: Samt Press. (Persian).
14. Gholipour, E. (2011). Organizational sociology, sociological approach to organization and management. Tehran: Samt Press. (Persian).
15. Goodman, P. S., Bazerman, M. & Conlon, E. (1980). Institutionalization of planned organizational change, Tepper School of Business, Paper 895. In Staw, B. M. & Cummings, L. L. *Research in Organizational Behavior*: 215-246. Greenwich, CT, JAI Press.
16. Grazi, F. & Van den Bergh, & Jeroen C. J. M. (2008). Spatial organization, transport, and climate change: Comparing instruments of spatial planning and policy, *ecological eoomics*, 67, 630-639.

17. Haerens, L., Craeynest, M., Deforche, B., Maes, L., Cardon, G., & De Bourdeaudhuij, I. (2009). The contribution of home, neighbourhood and school environmental factors in explaining physical activity among adolescents. *Journal of Environmental and Public Health*, (1687-9805):320372, 1-10.
18. Hankinson, A. L., Daviglus, M. L., Bouchard, C., Carnethon M, Lewis CE, Schreiner PJ, ..., Sidney, S. (2010). Maintaining a high physical activity level over 20 years and weight gain. *JAMA*, 304, 2603-2610.
19. Hozori, M. J., & Khodadadhoseini, S. H. (2005). The designing and explanating a model for institutionalizing innovation in the public sector of Iran. *Research and Scientific Bimonthly of Daneshvar Raftar*, 12(11), 37-57. (Persian).
20. Humphreys, B., & Ruseski, J. (2007). Participation in physical activity and government spending on parks and recreation. *Contemporary Economic Policy*, 25(4), 1-15.
21. Javadipoor, M., & Saminia, M. (2012). Sport for all in Iran and develop vision, strategy and future plans. *Journal of Applied Research in Sport Management*, 4, 21-30. (Persian).
22. Kahn, E. B., Ramsey, L. T., Brownson, R. C., Heath, G. W., Howze, E. H., Powell, K. E., ..., Corso, P. (2002). The effectiveness of interventions to increase physical activity: A systematic review. *American Journal of Preventive Medicine*, 22(4S), 73-107.
23. Kostova, T., & Roth, K. (2002). Adoption of an organizational practice by subsidiaries of multinational corporations: Institutional and relational effect. *The Academy of Management Journal*, 45, 215-233.
24. Levine, J. M., & Moreland, R. L. (2006). *Small Groups (Key Readings in Social Psychology)*. Routledge; 1 edition, Great Britain, Psychology Press.
25. Malekpour, F. (2011). The role of the media in changing family values and norms, *Media and Family Quarterly*, 1, 219-234. (Persian).
26. Marcus, B. H., Dubbert, P. M., Forsyth, L. A., McKenzie, T. L., Stone, E. J., Dunn, A. L., & Blair, S. N. (2000). Physical activity behavior change: Issues in adoption and maintenance. *Health Psychology*, 19(1), 32-41.
27. Melville, D. S., & Maddalozzo, J. G. F. (1988). The effects of a physical educator's appearance of body fatness on communicating exercise concepts to high school students. *Journal of Teaching in Physical Education*, 7, 343-352.
28. Owen, N., Bauman, A., Booth, M., Oldenburg, B., and Magnus, P. (1995). Serial mass-media campaigns to promote physical activity: Reinforcing or redundant? *American Journal of Public Health*, 85, 244-248.
29. Palm, J., & Wolfyang, B. (2002). Sport for all as departure into the unknown lands of sport. Heusenstamm, Germany.
30. Rafipor, F. (1999). *Anatomy of society (Introduction to applied sociology)*. Tehran: Enteshar Press. (Persian).
31. Ramezaninejad, R., Rahmaninia, F., & Taghvitakyar, S. A. (2009). The investigative of incentives of the participants in sport for all of public open spaces. *Sport Management Journal*, 2, 5-19. (Persian).
32. Roshandele Arbatani, T. (2007). The Explain of position of the mass media in institutionalization of sport for all in country. *The Harekat magazine*, 33, 165-177. (Persian).
33. Sabori Khosroshahi, H. (2011). The investigative of reference groups of youth in Tehran city. *Social Researchs Quarterly*, 11, 35-51. (Persian).
34. Safari, M. (2012). The designing Iran sport for all model (Unpublished doctoral dissertation). Tarbiat Modares University, Tehran. (Persian).

35. Scott, R. W. (2001). *Institutions and organizations* (2nd ed.). Sage, Thousand Oaks, CA.
36. Sedighe Sarvestani, R., & Hashemi, S. Z. (2002). The reference groups in sociology and social psychology with an emphasis on Merton and Festinger theories. *Letter of Social Sciences*, 20, 149-167. (Persian).
37. Tolbert, P. S., & Zucker, L. G. (1996). The institutionalization of institutional theory. In S. R. Clegg, C. Hardy, Y., Walter, & R. Nord (Eds.), *Handbook of Organization Studies* (pp. 175-190). Thousand Oaks, CA: Sage.
38. Weir, L. A., Etelson, D., & Brand, D. A. (2006). Parents' perception of neighborhood safety and children's physical activity. *Preventive Medicine*, 43, 212-217.
39. Wood, L. (2011). *Continued sport participation and the negotiation of constraints*. (Unpublished doctoral dissertation). the University of Western Ontario London, Ontario, Canada.
40. Young, B. W., & Medic, N. (2011). Examining social influences on the sport commitment of masters swimmers. *Psychology of Sport and Exercise*, 12, 168-175.
41. Zucher, L. G. (1987). Institutional theories of organization. *Annual Review of Sociology*, 13, 443-464.

استناد به مقاله

آصفی، احمدعلی. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی گروه‌های مؤثر در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۶(۱۵): ۷۰-۲۴۷.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2017.4034.1288

Asefi, A. (2019). The Identifying and Prioritizing Effective Groups in the Institutionalization of Sport for All in Iran. *Research on Educational Sport*, 6(15): 247-70. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2017.4034.1288

The identifying and Prioritizing Effective Groups in the Institutionalization of Sport for All in Iran

A. A. Asefi¹

1. Assistant Professor of Sport management of Sport Science Faculty of University of Isfahan

Received: 2017/03/15

Accepted: 2017/06/11

Abstract

The purpose of the present research was identifying and prioritizing effective groups in the institutionalization of sport for all in Iran. The research method was exploratory mixed method that was conducted in two phases of qualitative and quantitative. The statistical population of this study in the qualitative section was all individuals who have had experience in the field of sport for all and institutionalization that 15 persons interviewed to reach theoretical saturation by purposive sampling and in the format of Snowball Sampling method. In the quantitative section statistical population was composed of all managers and experts responsible for sport for all that subjects were selected by the census method (306 people). In the qualitative section semi-structured interview and in the quantitative section questionnaire were research tools. The validity of Interviews and questionnaire were investigated by professors and experts and reliability of interviews through a retest (%83) and questionnaire's reliability by Cronbach's alpha coefficient (0.91) was calculated. In the qualitative section open coding, axial coding and selective coding for analysis research data were used. In the quantitative section also kalmogorov smiranov test and first order confirmatory factor analysis for prioritizing effective groups in the institutionalization of sport for all in Iran were used. The research results in the qualitative and quantitative section revealed seven groups in order of preference include school, mass media, reference groups, family, government, religious institutions and friends and peers affect in the institutionalization of sport for all in Iran. Hence, helping to perform the basic roles of each of the above groups in institutionalization of sport for all in the country should be put on the agenda of the authorities with proper policy, planning and organization.

Keywords: Family, School, Mass media, Institutionalization, Sport for All.
